



“هو العلیم”

سخن سردبیر:

تأملی پیرامون برخی از مسائل آموزشی، فرهنگی و اجتماعی ایران

فرهیخته ارجمند، استاد معظم، جناب آقای دکتر پزشکیان  
رئیس جمهور معظم ایران اسلامی و رئیس محترم شورای انقلاب فرهنگی

باسلام و آرزوی سلامت و توفیقات روز افزون الهی برای حضرت عالی و همکاران ارجمندتان  
اما بعد؛

برخود فرض می‌دانم در جهت محقق شدن هر چه بیشتر اندیشه متعالی و برنامه های مدیرانه و حکیمانه جناب عالی چند نکته مهم و قابل تأملی را پیرامون برخی از مسائل آموزشی، فرهنگی و اجتماعی کشور که همواره از دغدغه‌های فکری اینجانب بوده و هست، با اذعان به هوشمندی و بلنداندیشی آن برادر متعهد و دلسوز و توانمند معروض دارم.

\* بیش از ۷۰ درصد از بزهکاران اجتماعی (گروه سنی زیر ۱۸ سال) مقیم کانون‌های اصلاح و تربیت سازمان زندان‌ها، واماندگان تحصیلی از نظام رسمی تعلیم و تربیت کشور می‌باشند!! بسیاری از ایشان از دوره متوسطه اول، دچار افت یا واماندگی تحصیلی می‌شوند!

\* پژوهش‌های مستند انجام شده در دو دهه گذشته بیانگر آن است که ریشه اصلی واماندگی تحصیلی را می‌بایست در عدم تناسب ظرفیت هوشی درصد قابل توجهی از نوجوانان با ضریب دشواری محتوای دروس مدارس جستجو نمود. بدون تردید بزهکاران نوجوان هزینه‌های فوق‌العاده‌ای را بر کشور تحمیل می‌نمایند.

\* بایسته آن است که کتاب‌های درسی در بستر ارزش‌های فرهنگی، به صورت کاربردی، مهارت محور و خلاق پرور تالیف گردد و یقیناً، متناسب با ظرفیت هوشی جمعیت دانش‌آموزی جامعه با ضریب هوشی متوسط باشد. همچنین، ترتیبی اتخاذ گردد تا ورودی‌های کلاس اول دبستان با کمترین واماندگی تا پایان دبیرستان تحت نظارت و هدایت مستمر نظام تعلیم و تربیت کشور باشند.  
\* نکته بسیار مهم دیگری که ذکر آن را لازم می‌دانم، تضییع ناخواسته حقوق عاطفی و اجتماعی اکثریت دانش‌آموزان پسر دبستانی در کشور ماست!

\* بدون تردید حضرت عالی اذعان دارید که دبستان اولین و حساس‌ترین نهاد رسمی اجتماعی است. بچه‌ها بسیاری از مقررات انضباطی و آئین تعاملات اجتماعی را مستقیم و غیرمستقیم در دبستان تجربه می‌نمایند. بسیاری از نگرش‌های و بازخوردهای اجتماعی کودکان در دبستان شکل گرفته و یا تکوین می‌یابد.

\* در دبستان، این نهاد پرقداست آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، پسر بچه‌ها حق دارند که در کلاس‌های درس با معلمان محبوب و مطلوبی مانوس گردند که همجنس خودشان باشند. پسر بچه‌های دبستانی حق دارند در محیط دبستان با الگوهای

بزرگسالی محشور گردند که شاکله شخصیتی آنان آمیزه‌ای از عذوفت، رأفت، محبت، مروت، منطوق و استدلال و استواری باشد. پسر بچه‌های دبستانی حق دارند در کلاس‌های درس خود همواره الگوهای مطلوب، از مردان محبوب، توانمند، تلاشمدار، مومن، مهربان و صبور و مثبت‌اندیش را داشته تا با ایشان از سویدای دل همدلی و همانندی نمایند.

\* البته دخترهای دبستانی و دبیرستانی نیز دوست دارند و حق دارند در کلاس‌های درس خود الگوهای محبوب، مطلوب، صبور و استواری از جنس خود داشته باشند. تا با همدلی و همانندی با ایشان آینده زیبا و پرنشاطی برای خود ترسیم نمایند.

\* در کشورهای غربی نیز که در غالب مدارس کلاس‌ها درس مختلط است، رعایت حقوق حقه عاطفی و اجتماعی شاگردان مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. یعنی دانش‌آموزان (دخترها و پسرها) می‌بایست در کلاس‌های درس خود هم حضور معلمان زن توانمند و صبور و مهربان را تجربه نمایند و هم با معلمان مرد تلاشمدار، گشاده‌رو، صبور و با محبت محشور شوند.

\* با عنایت به اینکه آغاز تجربه بلوغ جنسی به دلایل گوناگون نسبت به چند دهه گذشته به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است، به گونه‌ای که درصد قابل تأملی از دخترها و پسرها در کلاس‌های چهارم، پنجم و ششم دبستان بلوغ جنسی را تجربه می‌نمایند. شایسته و بایسته آن است که با یک نگاه عالمانه و عاقلانه و به دور از باورهای کلیشه‌ای در اندیشه به این مهم و تحقق بخشیدن به حقوق حقه روانی و اجتماعی همه کودکان و نوجوانان کشور به طور اعم و کودکان و نوجوانان دبستانی به طور اخص تدابیر و اقدامات مقتضی مبذول گردد.

\* شایسته آن است که دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری فقط در یک رشته عمومی، کاربردی، مهارت

محور، فرهنگ محور و خلاق‌پرور تحصیل نمایند، چراکه ادامه وضعیت موجود، یعنی وجود رشته‌های ریاضی - فیزیک، تجربی و علوم انسانی (یعنی همان رشته‌های ریاضی، طبیعی و ادبی سابق) ریشه در دیدگاه‌های قدیمی حدود ۱۱۰ سال پیش دارد که پایه تحصیلی در ایران ششم ابتدایی بود و در کل کشور فقط حدود ۲۱۴ نفر دیپلمه بود! اما امروزه که پایه تحصیلی در کشور در حدود لیسانس می‌باشد، دیگر تخصصی باقی ماندن دوره دوم متوسطه هیچ توجیه علمی، منطقی و عقلانی جهان شمول ندارد! تقریباً در همه کشورهای رشد یافته جهان دانش‌آموزان دبیرستانی در دوره‌های نظری عموماً در یک رشته عمومی با ضرایب درسی متنوع تحصیل نموده و فقط یک نوع دیپلم عمومی و اساساً کاربردی دریافت می‌دارند و در هر رشته‌ای که مایل باشند و مستعد می‌توانند در دانشگاه ادامه تحصیل بدهند. بدیهی است دانشگاه‌های معتبر جهان دیپلمه‌های علوم انسانی کشورمان را بدون توجه به رشته تحصیلی دبیرستانی ایشان در دوره دوم متوسطه، دیپلمه دبیرستانی تلقی نموده و در صورت هوشمندی و توانایی لازم آنها برای رشته‌های پیراپزشکی و پزشکی، مهندسی و کشاورزی و ... می‌پذیرند.

\* خوشبختانه اخیراً دانشگاه علوم پزشکی تهران با پذیرش بدون آزمون نفرات اول المپیاد علوم انسانی در رشته پزشکی که با موفقیت چشمگیر در این رشته تحصیلی می‌نمایند بر همین معنا تأکید نمودند که ملاک تحصیلی در رشته‌های دانشگاهی علاقه، انگیزه، هوش و استعداد است و نه صرف رشته تحصیلی آنها در دوره دوم متوسطه آن هم با وضعیت نه چنان مطلوب.

\* یقیناً با اصلاح اساسی دوره دوم متوسطه دیگر به کلاس‌ها و دکان‌های تجاری و مراکز تست‌زنی و کنکورگری که نظام آموزشی کشور بخصوص دوره متوسطه را از درون سست نموده و اقتدار عاطفی معلمان را تضعیف می‌نماید و در بسیاری از موارد خانواده‌ها را مضطرب و با فشارهای روانی و اقتصادی مواجه می‌کند نیازی نخواهد بود. چراکه در طراحی سوالات کنکور سراسری هیچ سوالی خارج از محتوای کتاب‌های آموزشگاهی مطرح نمی‌شود و مسلماً معلمان دبیرستان‌ها می‌توانند به شایستگی محتوای کتاب‌های درسی را به دانش‌آموزان بیاموزند.

\* با توجه به ضرورت کاربردی و مهارت محور نمودن منابع درسی همه دانش آموزان، به ویژه دوره متوسطه و با عنایت به افزایش ظرفیت هوشی کودکان سنین پیش دبستانی، مطلوب آن است که دوره دبیرستان یک سال کاهش یابد و یک ساله پیش دبستانی به نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور اضافه شود.

\* شایسته آن است زمینه‌ای فراهم گردد که همه کودکان و نوجوانان سنین مدرسه (۶ تا ۱۸ سال) به‌رغم تفاوت‌های فردی و مشاهده برخی آسیب‌ها و محدودیت‌های زیستی، شناختی، عاطفی و فرهنگی حداقل ۱۲ سال، مستقیم و غیرمستقیم تحت پوشش آموزشی، هدایتی، نظارتی و حمایتی وزارت آموزش و پرورش قرار داشته باشند. به عنوان مثال حتی اگر دانش‌آموز دختری در یکی از مناطق شهری یا روستایی ایران در سن ۱۵ سالگی پس از اتمام دوره اول متوسطه در کارگاه گلیم بافی مشغول گردد، در خانه خود به خانه‌داری مشغول شود و یا ازدواج نماید، می‌بایست حداقل تا ۱۸ سالگی تحت نظارت و راهنمایی مشاوران حاذق، مجرب و متعهد نظام رسمی تعلیم و تربیت کشور قرار داشته باشد.

\* متأسفانه در حال حاضر حدود ۳۰ درصد از جمعیت کودکان و نوجوانان سنین مدرسه قبل از ۱۸ سالگی به دلایل مختلف، عمدتاً به دلیل بی‌اشتهایی تحصیلی مدرسه را زود هنگام ترک می‌کنند، و چون عنوان این گروه از واماندگان تحصیلی دیگر «دانش‌آموز» نمی‌باشد تحت پوشش، نظارت و هدایت وزارت آموزش و پرورش نمی‌باشند و البته این گروه یعنی خارج شوندگان از چرخه کامل ۱۲ ساله نظام تعلیم و تربیت کشور به طور قابل ملاحظه‌ای بیش از همسالان شاغل خود در مدارس در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار می‌گیرند.

\* «پدیده دیپلم ردی» به ویژه در میان آقا پسرها فوق‌العاده رایج شده است، به گونه‌ای که در حال حاضر ده‌ها هزار نفر از جوانان قبل از پایان تحصیلات دبیرستانی عمدتاً به خاطر بی‌اشتهایی روانی و تحصیلی مدرسه را زود هنگام با عنوان نسبتاً جدید اما معروف یعنی «مدرک دیپلم ردی» ترک نموده و می‌نمایند!!

\* بسیاری از دیپلم ردی‌ها، بخصوص آنهایی که از نظر خدمت نظام وظیفه و بلاتکلیف باقی می‌مانند اشتغال چندانی مفیدی ندارند. این گروه، یعنی دیپلم ردی‌ها نمی‌توانند وارد دانشگاه شوند، اگر پایان خدمت و وظیفه یا معافیت از خدمت نداشته باشند موفق به اخذ گواهی نامه راندگی و یا دریافت گذرنامه نیز نمی‌شوند، دیپلم ردی‌ها عموماً جایگاه حمایت‌آمیزی در خانواده ندارند، از آن جایی که اغلب احساساتی از ابهام و نگرانی و بلاتکلیفی بر شخصیت ایشان حاکم می‌باشد از احساس خودارزشمندی و مطلوب‌اندیشی اندکی برخوردار بوده و متأسفانه درصد قابل توجهی از این گروه، یعنی دیپلم ردی‌های بلاتکلیف دچار ناامنی‌های روانی و بعضاً آسیب‌های اجتماعی می‌گردند. بدون تردید این گروه نیازمند خدمات ویژه مشاوره‌ای، هدایتی و حمایتی می‌باشند.

\* شایسته است با اندیشه حکیمانه و سرمایه‌گذاری بلندمدت فرهنگی تدابیری اتخاذ گردد که برترین الگوهای بزرگسال، جامعه یعنی هوشمندان خلاق که شخصیت ایشان آمیزه‌های است از عطف و محبت، منطق و استواری با بالاترین تحصیلات تخصصی و دانش روان‌شناسی آموزشی‌گرا در بیش از هفتصد هزار کلاس درس مدارس در گستره ایران اسلامی به خصوص در دبستان‌ها که از بیشترین اهمیت برخوردارند در کسوت معلمی حضور داشته باشند. بدیهی است سزاوار آن خواهد بود که حقوق ایشان، یعنی معلمان هوشمند و فرهیخته و برگزیده بیش از میانگین دریافتی‌های صاحبان دیگر مشاغل و مناسب کشور باشد.

\*\*\* \*\*

\* دانشگاه‌ها در اغلب کشورهای پیشرفته جهان عمدتاً با سه اولویت خاص در جهت تحقق رسالت‌های آموزشی و پژوهشی خود تلاش می‌نمایند:

الف) دانش‌افزایی عمومی و کاربردی با اندیشه دانش‌افزایی اقشار مختلف مردم،

ب) تربیت نیروهای تخصصی و حرفه‌ای موردنیاز جامعه مثل معلم، پزشک، مهندس، روان‌شناس و مشاور و حسابدار،

ج) تربیت پژوهشگران خلاق و نوآوری که بتوانند سر حلقه زنجیره علوم و فناوری نوین را در دست بگیرند و حلقه نوینی بر آن بیفزایند. \* شایسته آن است تعدادی از دانشگاه‌های برتر کشور با امتیازات ویژه و آزمون اختصاصی کتبی و مصاحبه هدفمند علمی و حرفه‌ای امکان پذیرش دانشجویان تیزهوش و خلاق را از نقاط مختلف کشور داشته باشند و با جلب همکاری تمام وقت اساتید متخصص، مجرب، پویا و خلاق، رسالت اصلی آنها پرورش محققان خلاق و پژوهشگران نوآور باشد. بدیهی است این دانشگاه‌ها به مثابه مراجع علمی به ازای هر ۳ تا ۵ دانشجوی تمام وقت دوره‌های دکتری از یک نفر عضو هیأت علمی برجسته برخوردار خواهند بود.

\* مدیران گروه‌های آموزشی نقش کاملاً کلیدی در رشد علمی و ارتقای فرهنگی دانشگاه‌ها دارند. شایسته آن است که مدیران گروه‌های آموزشی از میان اساتید متخصص، متدین، مجرب، هوشمند خلاق و محبوب با صبغه فرهنگی به گونه‌ای انتخاب شوند که بتوانند همزمان با رهبری آموزشی، مستقیم و غیر مستقیم، مدیریت رفتار فرهنگی دانشجویان خود را نیز عهده‌دار شوند. به سخن دیگر بهتر آن است که عنوان مدیران گروه‌های آموزشی "به عنوان مدیران گروه‌های آموزشی و فرهنگی" با وظایف و رسالت‌های خطیر آموزشی و فرهنگی تغییر یابد. بدون تردید ارزش‌های فرهنگی با مؤلفه‌های آموزشی و اندیشه‌های والای اساتید متخصص و مؤمن و متعهد در کلاس‌های درس بهتر، زیباتر و مؤثرتر انتقال می‌یابد.

\* بالطبع با عنایت به این مهم، شایسته آن خواهد بود که عنوان معاونان آموزشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌ها نیز به "معاون آموزشی و فرهنگی" با مسؤلیت‌های خطیر آموزشی و فرهنگی تغییر یابد. \* شایسته آن است در هر دانشگاهی اساتید مجرب و توانمند مشهور و محبوب تدریس برخی از دروس دانشجویان جدیدالورود را در همان نیمسال اول عهده‌دار شوند. این مهم می‌تواند اثربخشی فوق‌العاده‌ای در تقویت نگرش‌های مثبت، افزایش انگیزه‌های تلاش، نشاط و بهداشت روانی دانشجویان تازه وارد داشته باشد.

\* در همین ارتباط، بسیار مطلوب خواهد بود تدریس دروس عمومی دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه‌ها توسط اساتید فرهیخته و توانمند، متعهد، مجرب و خوش سابقه، محبوب و مطلوب خودشان در دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی انجام پذیرد. در واقع این مهم، یکی از اساسی‌ترین گام‌های فرآیند حاکمیت ارزش‌های اسلامی در دانشگاه‌ها می‌باشد.

\* **تأسیس مراکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره ازدواج و خانواده** با حضور روان‌شناسان و مشاوران حاذق و توانمند و مجرب و مورد وثوق و همکاری اساتید پر سابقه و خلاق و محبوب در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها می‌تواند فوق‌العاده مؤثر و مفید باشد. \* حضور داوطلبانه و غیررسمی اساتید موفق و محبوب در خوابگاه‌های دانشجویان و گفتگوی صمیمانه با ایشان همواره اثربخشی فرهنگی و آموزشی بسزایی به همراه خواهد داشت. چنانچه زمینه محقق شدن این مهم توسط مدیریت آموزشی و فرهنگی دانشگاه‌ها به گونه‌ای طراحی شود که جمعی از اساتید محبوب و توانای دانشگاه‌ها، حداقل ماهی یکبار ملاقات صمیمانه با دانشجویان غیربومی در مجتمع‌های خوابگاهی داشته باشند فوق‌العاده ارزشمند خواهد بود. **در واقع خوابگاه‌های دانشجویی خود یک دانشگاه سایه و پر اهمیت است. قریب به ۷۰ درصد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در تهران غیر بومی هستند!**

\*\*\* \*\*

\* شایسته آن است مدیریت کلان فرهنگی و هنری کشور به گونه‌ای باشد که مجموعه برنامه‌های فرهنگی و هنری همانند حلقه‌های زنجیر، متناسب و مرتبط، جهت‌دار و هدفمند زنجیره بزرگ و منشور فرهنگی کشور را با حاکمیت ارزش‌های خانواده، تقویت احساس خودارزشمندی، هویت ملی و مدیریت رفتار فرهنگی قشرهای مختلف مردم را فراهم نماید. بدون تردید در این مهم یعنی در مدیریت کلان فرهنگی شایسته آن است که به طور غیرمستقیم از همه نهادها، فرصت‌ها، مؤلفه‌ها و فرآورده‌های اجتماعی، اقتصادی و صنعتی و خدماتی کشور با عنایت به اصول و روش‌های مؤثر روان‌شناسی اجتماعی استفاده گردد، ایجاد و تقویت نگرش‌های مثبت اجتماعی نسبت به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی و استحکام کانون خانواده فوق‌العاده مهم و اساسی است.

\* در عرصه هنر، تولید فیلم‌ها و مجموعه‌های سینمایی و تلویزیونی با هدف ترسیم زیبایی وضعیت‌های مطلوب در جامعه اسلامی به ویژه در حوزه‌هایی همچون خانواده مطلوب، مدرسه زیبا و پرنشاط، محله و همسایه‌های پرمحبت و صبور، بازار پاک و پُر از صدق و صفا، اداره خدمت بی‌منت و بی‌توقع، و به تصویر کشیدن زیباترین، گیراترین و پرجاذبه‌ترین رابطه‌ها در گستره ارتباطات انسانی، رابطه زن‌ها و شوهرها، والدین و فرزندان، معلمان و شاگردان، طبیبان و مراجعان، همسایگان و خویشان، مدیران و کارکنان و... می‌تواند در تقویت فرهنگ والای جامعه ایران اسلامی فوق‌العاده مؤثر واقع گردد. چراکه همه انسان‌ها فطرتاً نیازمند مشاهده و تجربه وضعیت‌های مطلوب و دل‌نواز هستند.

\* در کنار اجرای بایسته و مدبرانه **نظام پزشکی خانواده**، طراحی و اجرای مطلوب برنامه جامع و فراگیر **روانشناس خانواده**، به گونه‌ای که به طور متوسط هر ۵۰۰ خانواده بتوانند به نحوه مطلوبی از خدمات حرفه‌ای یک روان‌شناس حاذق، مجرب، مومن و متعهد و مورد وثوق بهره‌مند گردند. می‌تواند در ارتقای بهداشت و سلامت روانی خانواده‌ها و بالطبع جامعه فوق‌العاده مؤثر بوده و از سوی دیگر از بسیاری از آسیب‌های زیستی و اختلالات روانی اجتماعی پیشگیری نماید. بدیهی است، طراحی مطلوب و حسن اجرای برنامه مشاور حقوقی خانواده نیز ( برای هر ۵۰۰ خانواده یک مشاور حقوقی ) می‌تواند بسیار مؤثر واقع گردد.

\*\*\*

\* **حضرت عالی نیک** می‌دانید که **خانواده تنها نهاد فطری، طبیعی، بی‌بدیل و جاودانه انسان است**، چرا که خداوند حکیم اساس خلقت خود را بر زوجیت استوار نموده است و زن و شوهر دو رکن اساسی خانواده می‌باشند. در این معنا، همه دیگر نهادهای جامعه، چون مسجد و مدرسه حوزه و دانشگاه، اداره و وزارت، بازار و تجارت همه و همه برای قوام و دوام این نهاد فطری یعنی خانواده بنا می‌گردند. به سخن دیگر **در یک نگاه ژرف همه را باید در خانواده دید و همه را برای خانواده خواست!**

کودک و نوجوان و جوان، میان سال و سالمند، زن و مرد، کوچک و بزرگ همه و همه را باید در خانواده دید. و همه دیگر نهادها و سازمان‌های جامعه را برای پایداری و تحکیم نظام خانواده تلقی نمود. **در واقع مضمون اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز با عنایت به این مهم بر خانواده محور بودن همه برنامه‌های دولت تأکید می‌نماید:** " از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن استواری روابط خانواده بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد." لذا شایسته است محور همه هدف‌ها، جهت‌ها و برنامه‌های کلی دولت بر پاسداری از حریم پر قداست کانون خانواده استوار باشد. یعنی آموزش و پرورش خانواده محور، بهداشت خانواده محور، رادیو و تلویزیون خانواده محور، تجارت خانواده محور، صنعت خانواده محور، فرهنگ خانواده، محور، پلیس خانواده محور، امنیت خانواده محور و ...

برهمن اساس شایسته و بایسته است که یک وزارتخانه قوی و مقتدر بنام وزارت خانواده با هدف اندیشه پاسداری از قداست و استحکام خانواده ایجاد گردد.

این وزارت پر اقتدار خانواده می‌تواند با تجمیع بعضی سازمان‌های و بخش‌های وزارتخانه‌ها نظیر، سازمان بهزیستی، معاونت جوانان وزارت ورزش، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، و بخشی از وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی تاسیس گردد.

\* بدون تردید وزارت خانواده می‌تواند با فراهم نمودن زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و حمایتی ازدواج به هنگام جوانان با رویکرد انتخاب دقیق و عروسی آسان، طراحی و برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی دانش‌افزایی زوج‌های جوان با هدف افزایش رضامندی زناشویی و پیشگیری از همسرگزیزی، جدایی و طلاق، طراحی

و مدیریت و هماهنگی خدمات تخصصی مشاوره ازدواج و خانواده، طراحی و تدوین برنامه‌های حمایتی و نظارتی ویژه خانواده‌های آسیب دیده و حمایت طلب با استفاده از صاحب‌نظران متخصص و مجرب و بهره‌مندی از امکانات همه وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها به ویژه تشکیلات دفتر امور زنان وابسته به ریاست جمهوری و نظایر آن نقش فوق العاده کلیدی در ارتقای فرهنگ کشور داشته باشد.

\*\*\* \*\*

در خاتمه این یادداشت دلسوزانه با عنایت به اهمیت بهره‌مندی مدیران از صاحبان اندیشه، هوشمندان توانا، پژوهشگران حاذق و اساتید و نظریه پردازان خلاق در حُسن مدیریت امور کشور ایجاد شوراهای راهبردی هم‌اندیشی را در بخش‌های مختلف دولت امری فوق‌العاده مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

شوراهای هم‌اندیشی صاحب‌نظران بصیر و مجرب و خلاق با وزرا و معاونان ایشان در بخش‌های مختلف دولت با مدیریت یکی از اساتید صاحب نظر و مدبر، مجرب و توانا می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های عالمانه و مدیرانه برای تحقق مطلوب اهداف و رسالت‌های خطیر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیربط و بهره‌وری بایسته از همه امکانات و دستاوردها و فرآورده‌های مورد انتظار فوق‌العاده مؤثر واقع گردد. فی‌المثل، شورای هم‌اندیشی بخش "آموزش و فرهنگ" می‌تواند با حضور پنج نفر از صاحب‌نظران و اساتید برجسته و توانمند و عضویت وزرای آموزش و پرورش، علوم تحقیقات و فناوری، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ ارشاد اسلامی به ریاست یکی از صاحب‌نظران مجرب و بصیر در اطاق‌های هم‌اندیشی ریاست جمهوری جلسات هفتگی خود را آغاز نماید. به همین صورت سایر بخش‌های متفاوت دولت نیز همچون بخش خدمات عمومی و اجتماعی، بخش تجارت و صنعت و بخش سیاست و امنیت می‌تواند با بهره‌مندی از پشتوانه علمی و فکری اعضای بصیر و فهیم شورای هم‌اندیشی فوق‌العاده پویا و پرثمر گردد.

با پوزش از تصدیع از خالق مهربان سلامت و توفیقات روز افزون حضرت‌عالی، همراهان و همکاران ارجمندتان را در خدمت به جامعه ایران اسلامی مسألت دارم.

دکتر غلامعلی افروز

استاد ممتاز دانشگاه تهران